



۱۰۶

والله اعلم
هضم می ۹۸

هضم زواله افغواشی عزیز

لهم. برداشت کوتاه که همراه با پیاده لادریه از

الطف ما نندیم.

صدر من راستم با ما که تبه رسته ترا می راستم. کار من ما

بیدارم است. درستم عمر مفید خود را با حسن نیت و اعتماد کامل

برای خیر دنیا صرف کردیم که دست تقدار دنیا را که ما از کار در آمدیم

تاوان آن است. عجزیم گرفتار تن خود را نندیم. بکنیم تا به روح

اگر این بیاید. هیچ چیز شکست از آن نیست که آدم در تقابل این است. بکنیم و

بکنیم و تن من حسن ندانم من بعد و بعد بخراجه ففیه. عفتن کی به و صغیرا

ایر لطف الله به ما به بختانه جز آن دست از کلمه شده که هضم در هیچ

ش فراده از لادریه براسه بفره برال را می با خراجه آید. ما از آن کلمه شده

کجی هضم در به کلمه را هم فقط بکنیم. بکنیم در هضم در به فروراسته است.

صدر کلمات و دست برداریم نهادیم وی

بسیار با کمال
با اوقات
بسیار با کمال
بسیار با کمال
بسیار با کمال
بسیار با کمال
بسیار با کمال
بسیار با کمال
بسیار با کمال
بسیار با کمال